

بررسی تأثیر حسابداری ذهنی بر سازگاری مالیاتی حسابرسان خود اشتغال

در حضور برخی عوامل میانی

زهرا کهن دل^۱

قدرت اله طالب نیا^۲

هاشم نیکومرام^۳

چکیده

هدف از انجام تحقیق کاربردی حاضر، بررسی تأثیر حسابداری ذهنی بر سازگاری مالیاتی حسابرسان خوداشتغال در حضور عوامل سواد مالی، وجدان کاری، مشوق های مالیاتی و فرار مالیاتی است. در این تحقیق از پرسشنامه استاندارد اولسن و همکاران (2018) با آلفای کرونباخ ۰,۹۳ استفاده شده است که توسط ۱۵۰ نفر از حسابرسان خوداشتغال فعال در انجمن حسابرسی ایران تکمیل شد. همچنین داده های بدست آمده با استفاده از نرم افزار Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که میزان تأثیر حسابداری ذهنی بر پرداخت مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر درآمد به ترتیب برابر با ۷۸ و ۴۵ درصد می باشد. میزان تأثیر سواد مالی، وجدان کاری، مشوق های مالیاتی و فرار مالیاتی بر پرداخت مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر درآمد به ترتیب به میزان ۴۴ و ۶۹ درصد قابل پیش بینی می باشد. شدت رابطه حسابداری ذهنی و پرداخت مالیات ارزش افزوده ۰/۲۸۹ بوده است. همچنین شدت رابطه حسابداری ذهنی و پرداخت مالیات بر درآمد برابر با ۰/۱۹۲ بوده است.

واژگان کلیدی: پرداخت مالیات، حسابرسان خوداشتغال، حسابداری ذهنی، فرار مالیاتی، سواد مالی.

طبقه بندی موضوعی: M41, M42

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول) Gh_talebnia@yahoo.com

۳. استاد گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱- بیان مسئله و اهمیت آن

رعایت پرداخت منظم مالیات متناسب با درآمد و وظیفه هر فرد قانون‌مدار است. رعایت عدالت ایجاب می‌نماید تمامی افراد جامعه به‌عنوان اعضای یک خانواده مالیات واقعی خود را پرداخت کنند و از آثار مثبت آن بر کسب و کار، زندگی و اجتماع خویش بهره‌مند شوند (کیان و همکاران، ۱۳۹۷؛ ۷). در این مطالعه به بررسی ابعاد مختلف اثرگذار روی رعایت پرداخت مالیات در مالیات‌دهندگان خوداشتغال بنا بر دلایل زیر پرداخته شده است؛

الف. آنها معمولاً نسبت به کارگران مشاغل کمتر سازگار و مطیع هستند، زیرا فرصت‌های بیشتری برای فرار مالیاتی دارند (Kirchler, 2017).

ب. تمایل بالاتری برای فرار مالیاتی دارند (Cramer et al, 2002).

ج. آنها مشمول مالیات‌های متعدد هستند و همچنین باید مالیات‌های غیرمستقیم مانند مالیات بر ارزش افزوده جمع‌آوری کنند.

د. آن‌ها موظف‌اند فعالیت‌های مالی تجاری خود را اداره کنند. همچنین سازماندهی درآمدها و هزینه‌های خود، صدور و پیگیری فاکتورها را انجام دهند و اظهارنامه مالیاتی خود را با کمک یک متخصص مالیاتی یا بدون کمک او برای برآورده‌سازی تعهدات خود در قبال سازمان امور مالیاتی تهیه کنند (Olsen et al., 2018).

همچنین مبحث علوم رفتاری در حوزه مالی و سرمایه‌گذاری از مباحث جدیدی است که به‌تازگی در علوم سرمایه‌گذاری و مالی مطرح می‌شود. مالی-رفتاری را می‌توان انگاره‌ای (پارادایمی) دانست که با توجه به آن، بازارهای مالی با استفاده از مدل‌هایی مطالعه می‌شوند که دو فرض اصلی و محدودکننده انگاره (پارادایم) سنتی، یعنی بیشینه‌سازی مطلوبیت مورد انتظار و عقلانیت کامل را کنار می‌گذارد (سعیدی و فرهانیان، ۱۳۹۴؛ ۳۹). از همین‌رو، مفاهیمی مانند حسابداری ذهنی که در زمینه مالی-رفتاری مطرح می‌شود، بیش از پیش توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. بر طبق این نظریه، به‌جای گروه‌بندی تمامی تصمیمات با هم و بهینه‌سازی انتخاب‌های مصرف در طی چرخه عمر، افراد به طبقه‌بندی فعالیت‌های خود در حساب‌های ذهنی اقدام و تصمیمات خود را در درون چارچوب محدود طبقه‌بندی شده، اتخاذ می‌کنند (Barth et al., 2001). از سوی دیگر، نظریه حسابداری ذهنی، بیان می‌دارد که؛ هر فرد درآمد و هزینه‌های خویش را در امور مالی مبتنی بر رفتارها، تصمیمات قبلی و فرآیندهای شناختی اعمال می‌نماید که عمدتاً با طبقه‌بندی فعالیت‌های مالی و اختصاص آنها به بودجه‌های خاص توصیف می‌شود (Antonides & Ranyard, 2018).

حسابداری ذهنی مفهومی اقتصادی است که نخستین بار ریچارد تالر آن را در سال ۱۹۸۵ ارائه کرد. این مفهوم نشان می‌دهد افراد، دارایی‌های آتی و جاری خود را به بخش‌های غیرقابل انتقال و جداگانه تقسیم می‌کنند. به عبارت دیگر، افراد درجات مختلفی از مطلوبیت را برای هر گروه از دارایی‌ها تخصیص می‌دهند. در حسابداری ذهنی بیان می‌شود که مردم به‌طور ذهنی گرایش به تقسیم بندی دارایی‌هایشان به سبدهای مختلف دارند و مایل‌اند هر سبد را به‌طور مستقل مدیریت کنند. به عبارت دیگر، مبادلات به جای آنکه به‌طور پیوسته با موارد دیگر ارزیابی شوند، به‌صورت جداگانه ارزیابی می‌شوند. برای مثال، بعضی افراد در زمان سرمایه‌گذاری به دنبال بهینه‌کردن پرتفوی خود نیستند، بلکه سهام را به‌صورت جداگانه و بدون در نظر گرفتن ارتباط آنها با همدیگر خریداری می‌کنند (Thaler et al., 2008).

در مطالعات جدید، توجه ویژه‌ای به رابطه تئوری حسابداری ذهنی و درک تصمیمات مالیاتی در افراد خوداشتغال شده است. به عنوان مثال، نتایج مطالعه موئلباخر و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد که؛ رفتار مالیات‌دهندگان خود اشتغال در استفاده از حسابداری ذهنی مرتبط با مالیات بر درآمد متفاوت بوده و این مربوط به حسابداری ذهنی است. طی دهه‌های اخیر رفتارهای خلاف قاعده‌ای در بازارهای مالی به وجود آمده است که نظریه‌های مالی کلاسیک قادر به توضیح آنها نبوده‌اند و اصولاً یافته‌ها حاکی از آن است که عدم رعایت و سازگاری الزاماً نتیجه عدم اخلاق در مالیات‌دهی نیست، اما ممکن است بعضی اوقات ناشی از عدم توانایی در انجام تعهدات مالیاتی شخص باشد (Olsen et al., 2018). لازم به ذکر است به دلیل عدم انجام مطالعات کافی، تاکنون مطالعات داخلی در زمینه عوامل اصلی تفاوت‌های بین فردی در تفکیک ذهنی مالیات‌ها، مانند شخصیت (دانش، سواد مالی، وجدان، انگیزش) یا ویژگی‌های تجاری (گردش مالی، سال‌های خوداشتغالی، کمبود مالی) صورت نگرفته است. علاوه بر این، پژوهش‌های قبلی حسابداری ذهنی، مالیات‌ها، مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده را مقایسه نکرده، بلکه فقط یکی یا دیگری در نظر گرفته شده است و از همه مهم‌تر اینکه، در مورد چگونگی ارتباط حسابداری ذهنی با فرار مالیاتی و برنامه‌ریزی مالیاتی، اطلاعات کمی وجود دارد. در این مقاله با بررسی پاسخ‌های حاصل از نظرسنجی از مالیات‌دهندگان خوداشتغال در ایران، وجود حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده بررسی شده است و رابطه شخصیتی و خصوصیات شغلی با حسابداری ذهنی تحلیل می‌شود. همچنین در ادامه به این سئوالات زیر پاسخ داده می‌شود؛

- به چه میزان ابعاد حسابداری ذهنی روی پرداخت مالیات بر درآمد و مالیات ارزش افزوده اثرگذار هستند؟

- به چه میزان ابعاد حسابداری ذهنی روی پرداخت مالیات بر درآمد در حضور عوامل میانی اثرگذار هستند؟

- به چه میزان ابعاد حسابداری ذهنی روی پرداخت مالیات بر درآمد و مالیات ارزش افزوده در حضور عوامل میانی اثرگذار هستند؟

۲- مروری بر پیشینه پژوهش

ابراهیمی و نجفی (۱۳۹۹)، به بررسی نقش حسابداری ذهنی در رفتار مالیاتی خویش فرمایان پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که؛ مالیات‌دهندگان با احتمال بیشتری برای مالیات بر ارزش افزوده، نسبت به مالیات بر درآمد، حساب ذهنی جداگانه در نظر می‌گیرند. افزون بر این، رابطه مثبتی بین دانش مالیاتی و پذیرش مالیاتی با حسابداری ذهنی وجود دارد.

پارسایی و ملانظری (۱۳۹۸)، به بررسی نقش حسابداری ذهنی در تصمیمات بودجه‌بندی سرمایه‌ای پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که؛ مدیران تمایل کمتری به کنارگذاری دارایی تامین مالی شده از طریق استقراض نسبت به دارایی مشابه تامین مالی شده از طریق سرمایه دارند. علت این تمایل کمتر، تا حدی به دیدگاه افراد در خصوص منافع عاید شده از دارایی بازمی‌گردد.

خواجوی و کرمشاهی (۱۳۹۷)، به پدیدار شناسی نقش نگرش فردی بر اخلاق مالیاتی و پذیرش مالیاتی پرداختند. نتایج نشان داد که؛ میزان اعتقادات افراد به دین و مذهب و میهن پرستی افراد تا حد زیادی مانع از فرار مالیاتی آنها می‌شود و در عین حال تعداد زیادی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که شفافیت دولت و پاسخگویی آن به عموم مردم مانع از فرار مالیاتی می‌شود. از دیدگاه برخی از افراد وجود نظام مالیاتی عادلانه و منصفانه نیز به پرداخت مالیات توسط افراد و جلوگیری از فرار مالیاتی کمک شایانی می‌کند.

کیان و همکاران (۱۳۹۶)، به بررسی تأثیر حسابداری ذهنی بر رفتار سرمایه‌گذاران از دیدگاه گزارشگری مالی پرداختند. در این مطالعه ۱۲۰ نمونه آماری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۵ تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش بیانگر اثر تعدیلی گزارش زیان بر ارتباط بین سود خالص و قیمت سهام است که انتظار می‌رود در راستای تأیید نظریه حسابداری ذهنی در صورت سود و زیان باشد.

مطالعات امیدی پور و پژویان (۱۳۹۶)، نشان داد که؛ فرار مالیاتی تنها وابسته به عوامل اقتصادی نبوده و عوامل غیراقتصادی از قبیل فرهنگ، هنجارهای عرفی، اخلاق، برداشت‌های ادراکی مؤدیان و... روی آن اثرگذار هستند.

صالحی و همکاران (۱۳۹۵)، به بررسی ارتباط بین سبک‌های تفکر در مدیران مالی و اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین سبک تفکر جزئی و سبک تفکر محافظه‌کاری با اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها وجود دارد.

ازگار و اسکان (۲۰۲۰)، به ارزیابی مالی حسابداری ذهنی پرداختند. نتایج این مطالعه بیان داشت که؛ حسابداری ذهنی یک استراتژی است که در کنترل هزینه‌های شخصی، مصرف و سرمایه‌گذاری به عنوان یک مجموعه شناختی از عملیات در نظارت بر مشاغل مالی / مالی شخص و معاملات مورد استفاده قرار می‌گیرد. این موارد در حساب‌های ذهنی طبقه‌بندی می‌شوند، به این معنی که افراد تمام هزینه‌های خود را بطور جداگانه رصد می‌کنند. به طور خاص، هنگامی که گزینه‌های مختلفی وجود دارد، آنها به طور مشترک ارزیابی می‌شوند و نتایج تصمیمات مختلف به طور جداگانه ترکیب یا ارزیابی می‌شوند. این بستگی به ساختارهای عاطفی و فکری فرد به همراه معیارهای خطر و هزینه‌ای دارد که فرد بر عهده دارد. زیرا تصمیم‌گیری بین احساسات و تفکر است و نتایج عقلانی-واقعی یا غیرعقلایی-غیر واقعی را در پی دارد. در واقع، آنها با آموزش، دانش مالی، مدیریت پول و آگاهی مالیاتی در حسابداری ذهنی رابطه مثبت دارند.

کریچلر و همکاران (۲۰۱۹)، به بررسی رابطه بین مالیات دهندگان خوداشتغال با حساب‌برسان مالیاتی در کشور اتریش پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که سه عامل قدرت، اعتماد و پیچیدگی منجر به ایجاد فساد و عدم سازگاری مالیاتی مودیان مالیاتی با همکاری حساب‌برسان شده است.

در مطالعه اولسن و همکاران (۲۰۱۸)، مشخص گردید که؛ برخی از مالیات‌دهندگان حساب‌های ذهنی جداگانه‌ای را برای پرداخت‌های بعدی مالیات (تفکیک ذهنی) نگه می‌دارند، در حالی که برخی دیگر تمام معاملات تجاری خود را در یک حساب ذهنی واحد سازمان می‌دهند.

نتایج مطالعات موئلباخ و همکاران (۲۰۱۳) نشان داد که؛ بین جنسیت، سن، درآمد، نگرش و تجربیات مالیاتی افراد خوداشتغال با سازگاری مالیاتی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

در مطالعه فوچمن و ولف (۲۰۱۵)، به بررسی اثر حسابداری ذهنی روی فرار مالیاتی از طریق صورت‌های مالی پرداختند. نتایج بیان داشتند که افرادی که طبقه‌بندی ذهنی گوناگونی جهت نشان

دادن درآمد شرکت نشان می‌دهند در برابر افرادی که تنها به یک گزارش سود و زیان اعتقاد دارند، با فرار مالیاتی بیشتری مواجه هستند.

با توجه به پیشینه مطالعات صورت گرفته، در این مطالعه به بررسی رویکرد اولسن و همکاران (۲۰۱۸) یعنی تعیین اثر حسابداری ذهنی روی سازگاری مالیاتی (پرداخت انواع مالیات از قبیل مالیات بر درآمد و مالیات ارزش افزوده در حساب‌برسان خود اشتغال پرداخته و علاوه بر آن، با توجه به تحقیقات کریچلرو و همکاران (۲۰۱۹) و ابراهیمی و نجفی (۱۳۹۹)، به بررسی تأثیر حسابداری ذهنی بر روی عواملی از قبیل سواد مالی، وجدان کاری، مشوق‌های مالیاتی و فرار مالیاتی پرداخته شده است.

در یک مطالعه پیمایشی در هلند، محققین دریافتند که حسابداری ذهنی ارتباط مثبتی با تحصیلات، دانش مالی و مدیریت پول در سطح خانوار دارد. (Antonides et al., 2011)

فلندمن دریافت که جابجا کردن درآمد از پرداخت‌های یکجا به یک حساب ذهنی جداگانه مرتبط با مصرف در مورد پرداخت‌های ماهانه، سبب افزایش مصرف و کاهش صرف‌جویی ماهانه خواهد شد. (Feldman, 2010).

دیگر محققان با استفاده از تئوری‌های روان‌شناسی شناختی به مطالعه این موضوع پرداختند که چگونه پردازش شناختی افراد از اطلاعات حسابداری، تفکر آنها بخصوص قضاوت‌ها و تصمیمات‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پردازش شناختی افراد شامل حالت‌ها و فرآیندهای ذهنی افراد می‌باشد که در حوزه حسابداری رفتاری مطرح می‌باشد. (Trotman et al., 2011).

مطالعه تجربی توسط موئلباخ و همکاران (۲۰۱۷) درخصوص اثر حسابداری ذهنی بر پذیرش مالیاتی صورت گرفت. نتایج نشان داد که اثری متقابل بین شیوه‌های حسابداری ذهنی افراد و رفتار تجربی وجود دارد. همچنین در افرادی که به طور ذهنی مالیات را از درآمد ناخالص تفکیک می‌تمایند، پذیرش مالیات بر درآمد بیشتر بوده و مالیات و درآمد خالص را به تفکیک ارائه می‌دهند.

تحقیقات موئلباخ و کریچلر (۲۰۱۳) نشان داد که پذیرش حسابداری ذهنی سبب تفکیک حساب مالیاتی و در نتیجه پرداخت مالیات به موقع می‌شود.

در تحقیق چمبرز و کوراتولا، (۲۰۱۲) از شرکت‌کنندگان درخواست شد که یکی از روش‌های پرداخت ماهانه مالیات یا پرداخت سه ماهه را انتخاب نمایند. نتایج نشان داد که پرداخت‌های بیشتر سبب تسهیل حسابداری ذهنی و در نتیجه پذیرش مالیات خواهد شد.

یالکین و همکاران (2016) نشان دادند که سه روش میانبری برجسته کردن اطلاعات، حسابداری ذهنی و معرف بودن بر تصمیمات سرمایه‌گذاری افراد تاثیرگذار است و از میان این سه روش، حسابداری ذهنی در رتبه میانی قرار گرفته است.

۳- ادبیات و چارچوب نظری

حسابداری ذهنی

اگرچه نظریه حسابداری ذهنی به منظور تفکیک تصمیم‌گیری‌های مشتری و خانوار ایجاد شده بود، اما ایده‌های آن برای تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی نیز اجراشدنی است. سه ویژگی اصلی نظریه حسابداری ذهنی (یعنی کدگذاری، طبقه‌بندی و ارزیابی) با ویژگی‌های اصلی گزارشگری مالی و افشای اختیاری مطابقت دارند. (کیان و همکاران، ۱۳۹۷؛ ۴).

حسابداری ذهنی مجموعه‌ای از عملیات شناختی برای پیگیری فعالیت‌های مالی است که به عنوان راهکاری برای غلبه بر مشکلات خودکنترلی در هزینه و مصرف تعریف شده است. (Kahneman & Tversky, 2008)، به این شکل که معاملات در حساب‌های ذهنی با بودجه خاصی طبقه‌بندی و سازماندهی شده و بر همین اساس حساب‌ها به انواع فعالیت‌ها اختصاص دارد. از طرفی، حسابداری ذهنی فرآیندهای تصمیم‌گیری شناختی را ویرایش و یک تصمیم مشخص توصیف را می‌نماید (Olsen et al., 2018). فعالان اقتصادی برای اتخاذ تصمیمات مالی و تحلیل رویدادهای اقتصادی به نحوه گزارشگری مالی و افشای اختیاری اطلاعات از سوی واحدهای تجاری حساسیت ویژه‌ای دارند؛ اما طی دهه‌های اخیر، رفتارهای خلاف قاعده‌ای در بازارهای مالی به وجود آمده است که نظریه‌های مالی کلاسیک قادر به توضیح و تبیین آنها نیستند (کهن‌دل و طالب‌نیا، ۱۳۹۸؛ ۳). از این رو، مفاهیمی مانند حسابداری ذهنی که در زمینه مالی رفتاری مطرح شده است، بیش از پیش توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است (کیان و همکاران، ۱۳۹۶؛ ۶).

با توجه به مطالعات صورت گرفته توسط چمبرز و همکاران (2008)، در ارتباط با جنبه‌های مختلف حسابداری ذهنی و رفتار پرداختی مالیات‌دهندگان نشان داد؛ هرچه مبلغ دریافتی از مالیات-دهنده کمتر باشد، رفتار مصرفی فرد افزایش یافته و میزان پس‌انداز به صورت ماهانه کاهش خواهد یافت. مطالعه دیگری نشان داد که افزایش درآمد به طور ذهنی منجر به افزایش مصرف و کاهش پس‌انداز ماهانه می‌شود (Feldman, 2010).

همچنین مطالعه موئلباخر و همکاران (2017)، نشان داد که؛ رعایت پرداخت مالیات در صورت نمایش جداگانه مالیات و درآمد خالص، به خصوص در بین شرکت کنندگان که به دلیل درآمد ناخالص، تمایل به تفکیک مالیات جداگانه داشتند، بالاتر بود. همچنین برای شرکت کنندگان این سؤال مطرح شد که؛ پرداخت مالیات بر درآمد به صورت ماهانه باشد یا سه ماهه؟ که نتایج نشان داد که مالیات دهندگان خوداشتغال در درک و طبقه بندی مالیات متفاوت عمل می کنند و بر خلاف دیگر مشاغل تمایل به پرداخت ماهانه مالیات داشتند.

مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده

با توجه به دسته بندی مالیات مستقیم و غیرمستقیم؛ مالیات های مستقیم، به ویژه مالیات بر درآمد متمرکز است. زیرا مالیات دهندگان بخشی از درآمد خود را مستقیماً به اداره مالیات پرداخت می کنند. از سوی دیگر، در مالیات غیرمستقیم، مالیات دهندگان آن را به یک واسطه پرداخت نموده و سپس مالیات را به سازمان امور مالیاتی انتقال می دهند. (OECD, 2014).

مالیاتی که دولت بر درآمد مالی حاصل شده به وسیله همه افراد و نهادها در حوزه قوانین حسابداری اعمال می کند، مالیات بر درآمد^۴ گفته می شود. طبق قانون، کسب و کارها و اشخاص باید هر ساله درآمدهایشان را گزارش کنند تا تعیین شود که آیا آن ها مشمول پرداخت مالیات هستند یا خیر؟ بیشتر کشورها از سیستم مالیات بر درآمد تصاعدی استفاده می کنند که در آن افراد با درآمد بالاتر نرخ مالیاتی بیشتری نسبت به افراد با درآمد پایین تر می پردازند (Olsen et al., 2018).

از طرفی، مالیات بر ارزش افزوده^۵، در زمره مالیات غیرمستقیم بر مصرف و فروش داخلی کالاها و خدمات بشمار می آید. این نوع مالیات، مالیاتی چند مرحله ای است که در هر یک از مراحل واردات، تولید، توزیع تا مصرف نهایی بر حسب ارزش افزوده ایجاد شده در هر مرحله، به صورت درصدی از آن، در همان مرحله اخذ می شود. مالیات بر ارزش افزوده می تواند با یک یا چند نرخ اعمال شود (Muehlbacher et al., 2017).

در نهایت، این اصل که مالیات بر درآمد در واقع توسط صاحبان مشاغل پرداخت می شود، در حالی که مالیات بر ارزش افزوده توسط مشتری پرداخت می شود ممکن است بر تفکیک ذهنی مالیات های ناشی از آن تأثیر بگذارد. از نکات بارز مالیات بر ارزش افزوده، ماهیت خود کنترلی آن است که ناشی از چند مرحله ای بودن فرآیند تولید و توزیع کالاها و خدمات می باشد. علاوه بر این، امکان

⁴ Income Tax

⁵ Value added tax

بهره‌مندی از مزایای اعتبار مالیاتی در این نوع مالیات به شفافیت اقتصاد زیرزمینی و جلوگیری از فرار مالیاتی کمک شایانی می‌نماید (Olsen et al., 2018).

متغیرهای میانی

در مطالعه حاضر متغیرهای میانی در دو بخش فردی و مشوق‌های مالیاتی مورد بررسی قرار گرفت که در بخش فردی نیز به بررسی عوامل وجدان کاری، سواد مالی و فرار مالیاتی پرداخته شد.

وجدان کاری اشاره به رضایت قلبی، تعهد و التزام عملی نسبت به وظایفی دارد که قرار است افراد آنها را به انجام رسانند؛ به گونه‌ای که اگر بازرس و ناظری نیز بر فعالیت آنها نظاره‌گر نباشد، باز هم در انجام وظیفه خود کوتاهی نخواهند کرد (قلی‌پور و خلیلی، ۱۳۹۲؛ ۶۴).

واژه سواد مالی دربرگیرنده مفاهیمی نظیر آگاهی مالی، مهارت‌های مالی (توانایی محاسبه بهره‌ترکیبی، مدیریت پول و برنامه‌ریزی مالی) دانش و علم در خصوص محصولات و موسسات مالی است (دیانتی‌دیلمی و حنیفه‌زاده، ۱۳۹۴؛ ۱۱۷). به طور کلی دامنه سواد مالی با توانایی‌های شناختی افراد و ارتقا آن شروع و با ایجاد دسترسی به خدمات و امور مالی و بهبود آن تکمیل گردیده و با افزایش آگاهی و آموزش و ارتقا سطح آن و همچنین افزایش اعتماد به نفس در مسائل مالی در بین افراد به حد کمال خود (وضعیت مطلوب) می‌رسد (Lusardi et al., 2013).

از سوی دیگر، فرهنگ مالیاتی یک کشور خاص، تمامی آن نهادهای رسمی و غیررسمی مربوطه است که با سیستم مالیات ملی و اجرای عملی آن، که به طور تاریخی درون فرهنگ یک کشور جای گرفته‌اند، مرتبط می‌باشد و شامل وابستگی‌ها و قیدوبندهایی است که به سبب تعاملات مداوم آن‌ها ایجاد شده‌اند (امین‌خاکی، ۱۳۹۰؛ ۲۱). همچنین در فرار مالیاتی، مؤدی مقدار درآمد اظهاری خود را بر اساس اصل به حداکثرسانی سود مورد انتظار تعیین می‌کند. به طور کلی، فرار مالیاتی به عدم پرداخت غیرقانونی تمام یا قسمتی از مالیات عنوان می‌گردد. این اقدام می‌تواند در قالب تنظیم حساب‌های مالی، ارائه اطلاعات مالی نادرست و یا ارائه نکردن اطلاعات صورت گیرد (موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸؛ ۳۳).

دیگر متغیر میانی مورد مطالعه مشوق‌های مالیاتی هستند که منظور از آن «هرگونه سنجه و ملاکی است که برای هر فعالیت یا بخش مشخصی (در مقایسه با کل صنعت) رفتار مالیاتی مطلوبی فراهم آورد». اشاره ضمنی این تعریف این است که مثلاً کاهش مالیات‌ها یا برنامه‌ها و سیستم‌های استهلاك موجود فی نفسه انگیزه مالیاتی نیستند (Klemm, 2008). مهمترین انگیزه‌ها و مشوق‌هایی

که در سیستم مالیاتی می‌توانند وجود داشته باشند عبارتند از: معافیت‌های مالیاتی موضوعی، مناطق- ویژه، کمک هزینه/اعتبار مالیاتی سرمایه‌گذاری، انگیزه‌های تأمین مالی و... همه این مشوق‌های مالیاتی به دنبال اهداف خاصی مانند صرفه‌های خارجی مثبت، توسعه منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری اضافی، اقتصاد سیاسی و رقابت مالیاتی می‌توانند باشند که در سیستم مالیاتی پیش‌بینی می‌شوند (رضائی، ۱۳۸۸؛ ۷۲).

۴- فرضیه‌های پژوهش

- ابعاد حسابداری ذهنی روی پرداخت مالیات بر درآمد و مالیات ارزش افزوده اثرگذار هستند.
- ابعاد حسابداری ذهنی روی پرداخت مالیات بر درآمد در حضور عوامل میانی اثرگذار هستند.
- ابعاد حسابداری ذهنی روی پرداخت مالیات ارزش افزوده در حضور عوامل میانی اثرگذار هستند.

۵- روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی بوده و روش انجام آن به صورت توصیفی- پیمایشی بود. همچنین روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای - میدانی بود. ابزار گردآوری اطلاعات نیز شامل فیش‌برداری و تکمیل پرسشنامه استاندارد اولسن و همکاران (۲۰۱۸) با آلفای کرونباخ ۰,۹۳، توسط ۱۵۰ نفر از حسابرسان خوداشتغال فعال انجمن حسابرسی ایران بود. پرسشنامه محقق ساخته حاضر شامل دو بخش جمعیت‌شناختی و گویه‌های مرتبط با متغیرهای تحقیق می‌باشد. همچنین داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها وارد نرم‌افزار Smart PLS نموده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. آزمون‌ها به دو صورت توصیفی و استنباطی (آزمون مدل معادلات ساختاری) انجام شدند. در پایان به نتیجه‌گیری از کار و مقایسه آن با مطالعات پیشین اشاره شده است.

۶- یافته‌های پژوهش

در این بخش از مطالعه به تحلیل بدست آمده از داده‌های گردآوری شده، پرداخته شده است. در ابتدا به بررسی رابطه بین حسابداری ذهنی شرکت‌کنندگان در این مطالعه و متغیرهای وابسته پرداخته شد.

جدول (۱): خلاصه نتایج فرضیات براساس ضرایب استاندارد شده و ضرایب معناداری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضرایب استاندارد شده	ضرایب معناداری
عوامل میانی	پرداخت مالیات بر درآمد	۰/۶۹۰	۸/۶۴
عوامل میانی	پرداخت مالیات ارزش افزوده	۰/۴۴۳	۱۰/۵۸

- رابطه بین عوامل میانی و پرداخت مالیات بر درآمد مورد تایید است. چون سطح معنی داری به دست آمده از برازش مدل ساختاری برای این مسیر برابر ۰/۰۱ می باشد که از ۰/۰۵ کوچکتر است. از طرف دیگر عدد معنی داری به دست آمده از این ضریب نیز برابر ۸/۶۴ می باشد که از ۱/۹۶ بزرگتر است. همچنین در سطح خطای ۰/۰۵ یا سطح اطمینان ۰/۹۵ می توان گفت میزان تاثیر کلی عوامل میانی بر پرداخت مالیات بر درآمد مورد تایید است و شدت رابطه در حد ۰/۶۹۰ می باشد.

- رابطه بین عوامل میانی و پرداخت مالیات ارزش افزوده مورد تایید است. چون سطح معنی داری به دست آمده از برازش مدل ساختاری برای این مسیر برابر ۰/۰۱ می باشد که از ۰/۰۵ کوچکتر است. از طرف دیگر عدد معنی داری به دست آمده از این ضریب نیز برابر ۱۰/۵۸ می باشد که از ۱/۹۶ بزرگتر است. همچنین در سطح خطای ۰/۰۵ یا سطح اطمینان ۰/۹۵ می توان گفت میزان تاثیر کلی عوامل میانی بر پرداخت مالیات ارزش افزوده مورد تایید است و شدت رابطه در حد ۰/۴۴۳ می باشد.

جدول (۲): نتایج آزمون سوبل تست پیرامون نقش میانجی عوامل میانی بر رابطه حسابداری ذهنی و پرداخت پرداخت

مالیات ارزش افزوده

	Input		Test Statistic	Std. Error	p-value
a	۰/۴۲۵	Sobel test	۴/۹۵۷۸۱۹۶	۰/۰۵۹۱۴۴۸۹۹	$7/1e^{-y}$
b	۰/۶۹۰	Aroian test	۴/۹۴۶۵۲۱۶۵	۰/۰۵۹۲۸۴۰۸	$7/6e^{-y}$
S _a	۰/۰۸	Goodman test	۴/۹۶۹۱۹۵۳۱	۰/۰۵۹۰۱۳۵۸	$6/7e^{-y}$
a _b	۰/۰۵				

در آزمون سوبل، یک مقدار Z-value از طریق فرمول زیر بدست می آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از ۱/۹۶ می توان در سطح ۹۵ درصد معنادار بودن تاثیر میانجی یک متغیر را تایید نمود. مقدار عدد تی به دست آمده ۳/۰۳ بیشتر از ۱/۹۶ می باشد بنابراین تاثیر متغیر میانجی در مدل

بررسی تأثیر حسابداری ذهنی بر سازگاری مالیاتی حسابرسان خود اشتغال در حضور برخی عوامل میانی $\equiv 201$

تائید می گردد، همچنین نتیجه می گیریم که نقش میانجی عوامل میانی بر رابطه حسابداری ذهنی و پرداخت مالیات ارزش افزوده مثبت و معنی دار بوده و شدت رابطه در حد $0/289$ بوده است.

جدول (۳): نتایج آزمون سوبل تست پیرامون نقش میانجی عوامل میانی بر رابطه حسابداری ذهنی و پرداخت مالیات بر درآمد

	Input		Test Statistic	Std. Error	p-value
a	$0/425$	Sobel test	$5/011261009$	$0/03849292$	$5/4e^{-y}$
b	$0/454$	Aroian test	$5/00289536$	$0/038556767$	$5/6e^{-y}$
sa	$0/08$	Goodman test	$5/02238164$	$0/03841803$	$5/1e^{-y}$
ab	$0/03$				

در آزمون سوبل، یک مقدار Z-value از طریق فرمول زیر بدست می آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از $1/96$ می توان در سطح 95 درصد معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تایید نمود. مقدار عددی به دست آمده $3/03$ بیشتر از $1/96$ می باشد بنابراین تأثیر متغیر میانجی در مدل تائید می گردد بنابراین نتیجه می گیریم که نقش میانجی عوامل میانی بر رابطه حسابداری ذهنی و پرداخت مالیات بر درآمد مثبت و معنی دار بوده و شدت رابطه در حد $0/192$ بوده است.

جدول (۴): خلاصه نتایج فرضیات بر اساس ضرایب استاندارد شده و ضرایب معناداری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضرایب استاندارد شده	ضرایب معناداری
حسابرسی ذهنی	مالیات بر ارزش افزوده	$0/765$	$22/98$
حسابرسی ذهنی	مالیات بر درآمد	$0/701$	$4/37$

- رابطه بین حسابداری ذهنی و پرداخت مالیات ارزش افزوده مورد تایید است. چون سطح معنی داری به دست آمده از برازش مدل ساختاری برای این مسیر برابر $0/012$ می باشد که از $0/05$ کوچکتر است. از طرف دیگر عدد معنی داری به دست آمده از این ضریب نیز برابر $22/98$ می باشد که از $1/96$ بزرگتر است. بنابراین در سطح خطای $0/05$ یا سطح اطمینان $0/95$ می توان گفت میزان تأثیر حسابداری ذهنی بر پرداخت مالیات ارزش افزوده مورد تائید است و شدت رابطه در حد $0/76$ می باشد.

- رابطه بین حسابداری ذهنی و پرداخت مالیات بر درآمد مورد تایید است. چون سطح معنی داری به دست آمده از برازش مدل ساختاری برای این مسیر برابر $0/004$ می باشد که از $0/05$ کوچکتر است. از طرف دیگر عدد معنی داری به دست آمده از این ضریب نیز برابر $4/37$ می باشد که از $1/96$ بزرگتر است. بنابراین در سطح خطای $0/05$ یا سطح اطمینان $0/95$ می توان گفت میزان تاثیر حسابداری ذهنی بر پرداخت مالیات بر درآمد مورد تائید است و شدت رابطه در حد $0/70$ می باشد.

جدول (۵) خلاصه نتایج فرضیات بر اساس ضرایب استاندارد شده و ضرایب معناداری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضرایب استاندارد شده	ضرایب معناداری
حسابرسی ذهنی	سواد مالی	$0/781$	$4/07$
حسابرسی ذهنی	وجدان کاری	$0/454$	$4/37$
حسابرسی ذهنی	مشوق های مالیاتی	$0/690$	$52/39$
حسابرسی ذهنی	فرار مالیاتی	$0/443$	$41/07$

- رابطه بین حسابداری ذهنی و سود مالی مورد تایید است. چون سطح معنی داری به دست آمده از برازش مدل ساختاری برای این مسیر برابر $0/01$ می باشد که از $0/05$ کوچکتر است. از طرف دیگر عدد معنی داری به دست آمده از این ضریب نیز برابر $4/07$ می باشد که از $1/96$ بزرگتر است. بنابراین در سطح خطای $0/05$ یا سطح اطمینان $0/95$ می توان گفت، میزان تاثیر حسابداری ذهنی بر سود مالی مورد تائید است و شدت رابطه در حد $0/78$ می باشد.

- رابطه بین حسابداری ذهنی و وجدان کاری مورد تایید است. چون سطح معنی داری به دست آمده از برازش مدل ساختاری برای این مسیر برابر $0/01$ می باشد که از $0/05$ کوچکتر است. از طرف دیگر عدد معنی داری به دست آمده از این ضریب نیز برابر $4/37$ می باشد که از $1/96$ بزرگتر است. بنابراین در سطح خطای $0/05$ یا سطح اطمینان $0/95$ می توان گفت، میزان تاثیر حسابداری ذهنی بر وجدان کاری مورد تائید است و شدت رابطه در حد $0/45$ می باشد.

- رابطه بین حسابداری ذهنی و مشوق ها مورد تایید است. چون سطح معنی داری به دست آمده از برازش مدل ساختاری برای این مسیر برابر $0/01$ می باشد که از $0/05$ کوچکتر است. از طرف دیگر عدد معنی داری به دست آمده از این ضریب نیز برابر $52/39$ می باشد که از $1/96$ بزرگتر است. بنابراین

در سطح خطای ۰/۰۵ یا سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت، میزان تأثیر حسابداری ذهنی بر مشوق‌ها مورد تأیید است و شدت رابطه در حد ۰/۴۵ می‌باشد.

- رابطه بین حسابداری ذهنی و فرار مالیاتی مورد تأیید است. چون سطح معنی‌داری به دست‌آمده از برازش مدل ساختاری برای این مسیر برابر ۰/۰۱ می‌باشد که از ۰/۰۵ کوچکتر است. از طرف دیگر عدد معنی‌داری به دست آمده از این ضریب نیز برابر ۴۱/۰۷ می‌باشد که از ۱/۹۶ بزرگتر است. بنابراین در سطح خطای ۰/۰۵ یا سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت، میزان تأثیر حسابداری ذهنی بر فرار مالیاتی مورد تأیید است و شدت رابطه در حد ۰/۴۴۳ می‌باشد.

۷- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

فرار مالیاتی توان رقابتی عوامل اقتصادی را به نفع آن‌هایی که مالیات نپرداخته‌اند، تغییر می‌دهد و از این بابت شکاف بین گروه‌های مختلف درآمدی را بیشتر خواهد کرد. چنانچه برای پیشگیری از فرار مالیاتی چاره‌اندیشی نشود، ممکن است افراد دیگر نیز به منظور افزایش توان مالی خود به این کار ترغیب شوند. و به دلیل تأثیر رفتار اجتماعی افراد بر یکدیگر، فرار مالیاتی، به‌رغم پرهیز برخی افراد، به تدریج مقبولیت عمومی و گسترش می‌یابد (امیدی‌پور و پژویان، ۱۳۹۶؛ ۴۵). مالیات‌دهندگان خوداشتغال که از حساب‌های ذهنی جداگانه برای پرداخت‌های مالیات‌برد درآمد آینده استفاده می‌کنند که ممکن است مالیات خود را صحیح‌تر از دیگر مالیات‌دهندگان آن را اظهار نمایند (Wenzel, 2016). نتایج تحقیق حاضر نشان داد که؛ میزان تأثیر حسابداری ذهنی بر پرداخت مالیات بر ارزش افزوده و مالیات‌برد درآمد به ترتیب به میزان ۷۸ و ۴۵ درصد قابل پیش‌بینی می‌باشد. میزان تأثیر کلی عوامل میانی (سواد مالی، وجدان کاری، مشوق‌های مالیاتی و فرار مالیاتی) بر پرداخت مالیات بر ارزش افزوده و مالیات‌برد درآمد به ترتیب به میزان ۴۴ و ۶۹ درصد قابل پیش‌بینی می‌باشد. نقش میانجی عوامل میانی بر رابطه حسابداری ذهنی و پرداخت مالیات ارزش افزوده مثبت و معنی‌دار بوده و شدت رابطه در حد ۰/۲۸۹ بوده است. نقش میانجی عوامل میانی بر رابطه حسابداری ذهنی و پرداخت مالیات بردرآمد مثبت و معنی‌دار بوده و شدت رابطه در حد ۰/۱۹۲ بوده است. با در نظر گرفتن سطوح فرار مالیاتی، اکثریت قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان قصد فرار مالیاتی نداشته و بیانگر پاسخ‌های مطلوب اجتماعی و همچنین الگوی عقلانی سودآوری مالیات‌دهندگان است که رفتار مالیاتی صاحبان مشاغل به احتمال زیاد تحت تأثیر ملاحظات اخلاقی قرار گرفته است. مطالعه حاضر مستعد محدودیت‌های کلی در طرح‌های مطالعه‌ای مقطعی پرسشنامه است. از این‌رو، اثبات علیت برای روابط شناخته شده نمی‌تواند ارائه شود، و تعصب روی یک روش متداول، به‌ویژه اندازه‌گیری اثرات زمینه و

جلوه‌های متداول، می‌تواند همبستگی بین مجموعه متغیرها را تحت الشعاع قرار دهد (Podsakoff et al., 2003). تحقیق در مورد گروه مالیات‌دهندگان خوداشتغال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا افراد این گروه امکانات گسترده‌ای برای فرار و دور زدن مالیات دارند و اغلب یک گروه خطر سازگار محسوب می‌شوند (Kleven et al., 2011). از طرفی تحقیقات نشان می‌دهد که در افراد با نمرات بالاتر حسابرسی ذهنی، سطوح برجسته‌تری از برنامه‌ریزی مالیاتی را دارا بوده و به همان میزان فرار مالیاتی کمتری را ترجیح می‌دادند. همچنین یافته‌ها نشان داد که افزایش توانایی مالیات‌دهندگان خوداشتغال در سازماندهی فعالیت‌های مالی‌شان می‌تواند یک استراتژی امیدوارکننده برای تقویت رقابت در مشاغل مالیات‌دهندگان خوداشتغال باشد. برای تحقیقات آتی می‌توان موارد زیر را پیشنهاد نمود؛

- ۱- بررسی رابطه بین نوع کسب و کار، حسابداری ذهنی و سازگاری مالیاتی در افراد خوداشتغال
- ۲- بررسی میزان رضایت مالیات‌دهندگان خوداشتغال از نتایج سازگاری مالیات در ارتقاء کسب و کارشان
- ۳- ارائه آموزش‌های مالیاتی و بررسی تغییرات حسابداری ذهنی در مالیات‌دهندگان خوداشتغال

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی فهیمه، زهرا نجفی، (۱۳۹۹). "نقش حسابداری ذهنی در رفتار مالیاتی خویش فرمایان (مورد مطالعه: مؤدیان حقیقی استان فارس)"، دوفصلنامه علمی حسابداری ارزشی رفتاری، دوره ۵، شماره ۹.
۲. امیدپور رضا، پژویان جمشید، (۱۳۹۶). "فرار مالیاتی در پایه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی در ایران"، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۱، شماره ۳۹.
۳. امین خاکی علیرضا، (۱۳۹۰). "برآورد فرار مالیاتی و عوامل تعیین کننده آن در اقتصاد ایران"، پایان نامه مقطع دکتری، استاد راهنما: محمدتقی گیلک حکیم آبادی، سعید کریمی پتانلار، دانشگاه مازندران.
۴. پارسایی منا؛ ملانظری مهناز، (۱۳۹۸). "نقش حسابداری ذهنی در تصمیمات بودجه بندی سرمایه ای"، حسابداری مدیریت، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۱-۱۸.
۵. خواجوی شکراله، کرشاهی بهنام، (۱۳۹۷). "پدیدار شناسی نقش نگرش فردی بر اخلاق مالیاتی و تمکین مالیاتی". فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. ۳ (۵): ۲۰۸-۱۸۷.
۶. دیانتی دیلمی زهرا، حنیفه زاده محمد، (۱۳۹۴). "بررسی سطح سواد مالی خانواده های تهرانی و عوامل مرتبط با آن"، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، دوره ۸، شماره ۲۶.
۷. رضایی ابراهیم، (۱۳۸۸). "نقش مشوق ها و نرخ های مؤثر مالیاتی در پویایی های سرمایه گذاری: رویکرد کلان اقتصادی"، فصلنامه تخصصی مالیات، دوره ۱، شماره ۷، (۵۵).
۸. سعیدی علی، فرهانیان محمدجواد، (۱۳۹۴). "مبانی اقتصاد و مالی رفتاری"، انتشارات بورس.
۹. صالحی مهدی، زمانی مقدم سمانه، لطفی افسانه، (۱۳۹۵)، "بررسی ارتباط بین سبک های تفکر در مدیران مالی و اجتناب از پرداخت مالیات شرکت ها"، پژوهشنامه مالیات، شماره ۳۰.
۱۰. طالب نیا قدرت الله، شیخ حسنی علی، (۱۳۸۶). "بررسی مقایسه ای قانون مالیات های مستقیم با قانون پیشین در بخش های مشاغل مستغلات و حقوق کارکنان"، فصلنامه حسابرس، دوره ۱۰، شماره ۲۶.
۱۱. قلی پور حسین، روحی خلیلی مهدی، (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین رفتار شهروندی سازمانی کارکنان مالیاتی و تمکین مالیاتی مؤدیان"، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۹، (۶۷).

۱۲. کهن دل زهرا، طالب‌نیا قدرت‌اله، (۱۳۹۸). "مروری بر نقش انواع تمایلات ذهنی موثر بر نقص‌های حرفه‌ای حسابرسان"، کنفرانس بین‌المللی تحقیقات کاربردی در اقتصاد حسابرسی و مدیریت پاریس (ICARAEM2019)، دوره ۴.

۱۳. کیان علیرضا، پورحیدری امید، کامیابی یحیی، (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر حسابداری ذهنی بر رفتار سرمایه‌گذاران از دیدگاه گزارشگری مالی"، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۹، شماره ۲.

۱۴. کیان علیرضا، پورحیدری امید، کامیابی یحیی، (۱۳۹۷). "بررسی رفتار مدیران در بکارگیری حسابداری ذهنی در گزارشگری صورت سود و زیان"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۵۸.

۱۵. موسوی جهرمی یگانه، طهماسبی بلداجی فرهاد، خاکی نرگس، (۱۳۸۸). "فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک مدل نظری"، فصلنامه تخصصی مالیات، دوره ۱، شماره ۵.

16. Antonides, G., & Ranyard, R. (2018). "Mental accounting and economic behavior". In R. Ranyard (Ed.), *Economic Psychology* (pp. 123–138). Hoboken, NJ: Wiley.
17. Antonides, G., de Groot, M. I., & van Raaij, F. W. (2011). Mental budgeting and the management of household finance. *Journal of Economic Psychology*, 32, 546–555. <https://doi.org/10.1016/j.joep.2011/04/001>
18. Barth, M. E., Beaver, W.H. and Landsman, W.R. (2001). The Relevance of the Value Relevance Literature for Financial Accounting Standard Setting another View. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 31, Pp. 77-104
19. Chambers, V., & Curatola, A. P. (2012). Could increasing the frequency of estimated tax payments decrease delinquency rates among the self-employed? *Advances in Taxation*, 20, 1–28.
20. Chambers, V., & Spencer, M. (2008). "Does changing the timing of a yearly individual tax refund change the amount spent vs. saved?", *Journal of Economic Psychology*, 29, 856–862. <http://doi.org/10.1016/j.joep.2008.04.001>
21. Cramer, J. S., Hartog, J., Jonker, N., & Praag, C. M. Van. (2002). "Low risk aversion encourages the choice for entrepreneurship: An empirical test of a truism". *Journal of Economic Behavior & Organization*, 48.
22. Feldman, N. E. (2010). "Mental accounting effects of income tax shifting". *Review of Economics and Statistics*, 92, 70–86. <http://doi.org/10.1162/rest.2009.11892>
23. Fochmann M., Wolf N., (2015). *Mental Accounting in Tax Evasion Decisions – An Experiment on Underreporting and Overdeducting*, University of Hannover, Arqus Pub.
24. Kahneman, D., & Tversky, A. (2008). "Choices, values, and frames". *American Psychologist*, 39. <http://doi.org/10.1037/0003-066X.39.4.341>

25. Kirchler E., Gangl K., Barbara H. Eva H., (2019). The Relationship Between Austrian Tax Auditors and Self-Employed Taxpayers: Evidence From a Qualitative Study, *Front Psychol.* 2019; 10: 1034.
26. Kirchler, E. (2017). "The economic psychology of tax behavior". Cambridge: Cambridge University Press.
27. Klemm Alexander.(2008). "Effective Average Tax Rates for Permanent Investment", IMF Working Paper.
28. Kleven, H. J., Knudsen, M. B., Kreiner, C. T., Pedersen, S., & Saez, E. (2011). "Unwilling or unable to cheat? Evidence from a tax audit experiment in Denmark". *Econometrica*, 79, 651–692.
29. Lusardi, A. & Mitchel, O. S. (2013). "The Economic Importance of Financial Literacy: Theory and Evidence". Center for Research on Pensions and Welfare Policies, CeRP Working Papers No. 134/13, P: 4-51.
30. Muehlbacher, S., & Kirchler, E. (2013). "Mental accounting of self-employed taxpayers: On the mental segregation of the net income and the tax due". *FinanzArchiv*, 69, 412–438.
31. Muehlbacher, S., Hartl, B., & Kirchler, E. (2017). Mental accounting and tax compliance: Experimental evidence for the effect of mental segregation of tax due and revenue on compliance. *Public Finance Review*, 45, 118-139. <https://doi.org/1091142115602063/10/1177>
32. OECD. (2014). "Consumption tax trends 2014. Paris": OECD Publishing.
33. Olsen, J., Kasper, M., Kogler, C., Muehlbacher, S., Kirchler, E., (2018). "Mental accounting of income tax and value added tax among self-employed business owners", *Journal of Economic Psychology*, doi:
34. Ozkan, M., & Ozkan, O. (2020). Financial evaluation of mental accounting. *Journal of Accounting, Finance and Auditing Studies*, 6(1), 86-118.
35. Podsakoff, P. M., MacKenzie, S. B., Lee, J.-Y., & Podsakoff, N. P. (2003). "Common method biases in behavioral research: A critical review of the literature and recommended remedies". *Journal of Applied Psychology*, 88, 879–903.
36. Thaler, R. (2008). Savinys, fungibility, and mental Accouts. in lowenstein, G. and Elster, s. J., *Choice Over Time*.
37. Trotman, K, Tan, H, Ang, N. (2011), Fiftyyear overview of judgment and decisionmaking research in accounting, *Accounting& Finance*51, 278-360.
38. Wenzel, M. (2005). "Motivation or rationalisation? Causal relations between ethics, norms and tax compliance". *Journal of Economic Psychology*, 26, 491–508.
39. Yalcin, K.C., Tatoglu,E., Zaim,S. (2016).Developing an instrument for measuring theeffects of heuristics on investmentdecisions. *Kybernetes*, Vol. 45 Issue: 7, pp.1052-1071

The Effect of Mental Accounting on Tax Compliance of Self-Employed Auditors in the Presence of Some Intermediate Factors

Zahra Kohandel*

Ghodrat Allah Talebnia^v

Hashem Nikoomaram^h

Abstract:

The purpose of the this applied research is to investigate the effect of mental accounting on the tax adjustment of self-employed auditors in the presence of financial literacy factors, work conscience, tax incentives and tax evasion. In this study, Olsen et al. (2018) standard questionnaire with the of Cronbach's alpha reliability (0.93) was completed by 150 self-employed auditors who are active in the Iranian Audit Association. The obtained data were also analyzed using smart PLS software. The results showed that the effect of mental accounting on VAT and income tax payments is 78 and 45 percent, respectively. The effect of financial literacy, work conscience, tax incentives and tax evasion on VAT payments and income taxes can be predicted at 44% and 69%, respectively. The intensity of the relationship between audit and payment of value added tax was 0.289. Also, the intensity of the relationship between mental accounting and income tax payment was 0.192.

Keywords: Tax Payment, Self-Employed Auditors, Mental Accounting, Tax Evasion, Financial Literacy.

JEL Classification: M41, M42

6. Ph.D. Student Accounting ,Faculty of management and Economics ,Science and Research Branch ,Islamic Azad University ,Tehran ,Iran

7. Associate Professor ,Department Of Accounting , Faculty of management and Economics ,Science and Research Branch ,Islamic Azad University ,Tehran ,Iran (Corresponding Author), Gh_talebniya@yahoo.com

8. Professor ,Department Of Accounting , Faculty of management and Economics ,Science and Research Branch ,Islamic Azad University ,Tehran ,Iran